



شماره ثبت: ۲۶۹۳

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

کذب.....	۳
مرور بر گذشته.....	۳
روایات مستدرک.....	۳
روایت اول:.....	۳
روایت دوم:.....	۳
روایت سوم:.....	۴
نکته.....	۴
روایت چهارم:.....	۴
روایت پنجم:.....	۵
روایت ششم:.....	۵
روایت هفتم:.....	۵
روایت هشتم:.....	۶
روایت نهم:.....	۶
روایت دهم:.....	۶
روایت یازدهم.....	۷
روایت دوازدهم.....	۷
نکته ای راجع به «اری الریا».....	۷
روایت سیزدهم:.....	۷
روایت چهاردهم:.....	۸
روایت پانزدهم:.....	۸
روایت شانزدهم:.....	۸
روایت هفدهم:.....	۹
روایت هیجدهم.....	۹
روایت نوزدهم:.....	۹
روایت بیستم:.....	۹



شماره ثبت: ۲۶۹۳

- ۱۰..... روایت بیست و یکم:
- ۱۰..... روایت بیست و دوم:
- ۱۰..... روایت بیست و سوم:
- ۱۱..... روایت بیست و چهارم:
- ۱۱..... روایت بیست و پنجم:
- ۱۱..... روایت بیست و ششم:
- ۱۱..... روایت بیست و هفتم:
- ۱۱..... روایت بیست و هشتم:
- ۱۲..... روایت بیست و نهم:
- ۱۲..... جمع بندی
- ۱۲..... تواتر معنوی روایات
- ۱۲..... دسته بندی روایات
- ۱۳..... جنبه تحلیلی روایات



کذب

مرور بر گذشته

۱۵ روایت در باب ۳۸ را مورد بررسی قرار دادیم. ذیل این باب در مستدرک نیز روایاتی آمده است.

روایات مستدرک

تعداد زیادی از این روایات، همان مضامین وسائل الشیعه را دارند. این روایات اکثراً ضعیف هستند.

روایت اول:

«الطَّبْرَسِيُّ فِي الْمَشْكَاتِ، نَقْلًا مِنَ الْمَحَاسِنِ عَنْ عَلِيٍّ ع أَنَّهُ قَالَ فِي خُطْبَةٍ طَوِيلَةٍ: أَيُّهَا النَّاسُ أَلَا فَاصْذُقُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّادِقِينَ وَجَانِبُوا الْكَذِبَ فَإِنَّهُ مُجَانِبٌ لِلْإِيمَانِ أَلَا إِنَّ الصَّادِقَ عَلَى [شَفَا] مَنْجَاةٍ وَكَرَامَةٍ أَلَا إِنَّ الْكَاذِبَ عَلَى شَفَا رَدَى وَهَلَكَةٍ.»^۱

سند این روایت ضعیف است. این روایت، مضمون روایت سیزدهم وسائل الشیعه را دارد که عرض کردیم.

روایت دوم:

«الْجَعْفَرِيَّاتُ، بِإِسْنَادِهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: إِنْ لَيْلِيسَ كُحْلًا وَ لَعُوقًا وَ سَعُوطًا فَكُحْلُهُ النَّعَاسُ وَ لَعُوقُهُ الْكَذِبُ وَ سَعُوطُهُ الْكِبَرُ.»^۲

این روایت مضمون روایت چهاردهم وسائل الشیعه است.

این روایت نیز از نظر سند اشکال دارد.

۱ مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۸۳

۲ همان



شماره ثبت: ۲۶۹۳

روایت سوم:

«وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع أَنَّهُ قَالَ: تِسْعَةُ أَشْيَاءَ مِنْ تِسْعَةِ أَنْفُسٍ هُنَّ مِنْهُمْ أَقْبَحُ مِنْهُمْ مِنْ غَيْرِهِمْ إِلَى أَنْ قَالَ وَ الْكَذِبُ مِنَ الْقُصَاةِ الْخَبَرِ.»^۱

در این روایت در مورد کذب خاص صحبت کرده است، کذب به طور مطلق حرام است ولی کذبی که از قاضی صادر می‌شود گناه بیشتری دارد.

حضرت علی (ع) می‌فرمایند: نه چیز از نه گروه از دیگران زشت‌تر است. یکی از آن‌ها کذب از قضا است. کذب از قضا اقبیح از دیگران است.

مدلول مطابقی روایت، کذب خاص است اما بالالتزام مطلق کذب را قبیح می‌کند. از این روایت معلوم می‌شود، کذب حرمت دارد اما کذب قضا تشدد حرمت دارد.

این روایت از لحاظ سند ضعیف است. این روایت مطلق کذب را شامل می‌شود ولی از قبح، حرمت افاده نمی‌شود.

نکته

ما در تمام روایات، سه نکته مشترک را بررسی می‌کنیم.

۱. سند

۲. اطلاق موضوع

۳. دلالت بر حرمت

روایت چهارم:

«وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: الْكَذَّابُ لَا يَكُونُ صَدِيقًا وَلَا شَهِيدًا.»^۱



شماره ثبت: ۲۶۹۳

این روایت از سه جهت، اشکال دارد.

روایت پنجم:

«الشَّيْخُ الْمُفِيدُ فِي الْإِخْتِصَاصِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع يَكُونُ الْمُؤْمِنُ بَخِيلًا قَالَ نَعَمْ قَالَ [قُلْتُ] فَيَكُونُ جَبَانًا قَالَ نَعَمْ قُلْتُ فَيَكُونُ كَذَّابًا قَالَ لَا وَلَا جَافِيًا ثُمَّ قَالَ جُبِلَ الْمُؤْمِنُ عَلَى كُلِّ طَبِيعَةٍ إِلَّا الْخِيَانَةَ وَالْكَذِبَ.»^۲

از امام صادق (ع) پرسیده می‌شود که آیا مؤمن بخیل و ترسو می‌شود، ایشان می‌فرمایند: بله، بار دیگر سؤال می‌شود آیا مؤمن، کذاب می‌شود؟ می‌فرمایند: خیر.

دلالت این روایت در مورد اطلاق تام است. دلالت بر حرمت می‌کند.

روایت ششم:

«وَعَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ: لَا يَكْذِبُ الْكَاذِبُ إِلَّا مِنْ مَهَانَةٍ نَفْسِهِ وَ أَصْلُ السُّخْرِيَّةِ الطُّمَأْنِينَةُ إِلَى أَهْلِ الْكَذِبِ.»^۳

دروغ‌گو، دروغ نمی‌گوید مگر اینکه مهانتی داشته باشد. یعنی دروغ ناشی از پستی درون است. اصل به سخره گرفتن انسان بر این است که به دروغ‌گو اعتماد می‌کند.

این روایت بیشتر به فلسفه کذب دلالت می‌کند و دلالت بر حرمت نمی‌کند.

روایت هفتم:

«الْقَضَاعِيُّ فِي الشَّهَابِ، عَنِ النَّبِيِّ ص أَنَّهُ قَالَ: مِنْ أَعْظَمِ الْخَطَايَا اللَّسَانُ الْكَذُوبُ.»

۱ همان

۲ همان

۳ همان، ص ۸۵



شماره ثبت: ۲۶۹۳

این روایت دلالت بر حرمت می‌کند.

روایت هشتم:

«أَبُو الْقَاسِمِ الْكُوفِيُّ فِي كِتَابِ الْأَخْلَاقِ: قَالَ رَجُلٌ لِرَسُولِ اللَّهِ ص يَا رَسُولَ اللَّهِ ذَلَّنِي عَلَى عَمَلٍ أَتَقَرَّبُ بِهِ إِلَى اللَّهِ فَقَالَ لَا تَكْذِبْ فَكَانَ ذَلِكَ سَبَبًا لِاجْتِنَابِهِ كُلَّ مَعْصِيَةٍ لِلَّهِ لِأَنَّهُ لَمْ يَقْصِدْ وَجْهًا مِنْ وَجُوهِ الْمَعَاصِي إِلَّا وَجَدَ فِيهِ كَذِبًا أَوْ مَا يَدْعُو إِلَى الْكَذِبِ فَرَأَى عَنْهُ ذَلِكَ مِنْ وَجُوهِ الْمَعَاصِي.»^۱

ابوالقاسم کوفی از حضرت خواستند: من را راهنمایی کنید به کاری که قرب الهی پیدا کنم، حضرت فرمودند: دروغ نگو. بعد می‌فرمایند: تمام گناهان با کذب ارتباطی دارند.

دلالت بر حرمت دارد و اطلاق کذب را بیان می‌کند ولی سنداً ضعیف است. اما این مضمون در چند جای دیگر نیز آمده بود.

روایت نهم:

«عَنْهُ ص قَالَ: ثَلَاثُ خِصَالٍ مِنْ عِلَامَاتِ الْمُنَافِقِ إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ وَإِذَا اتَّيَمَّنَ خَانَ وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ.»^۲

این باز سند کوفی است و معتبر نیست. پیامبر (ص) می‌فرمایند: علامت منافق سه چیز است و یکی از آن‌ها کذب است. رابطه‌ی نفاق و کذب بسیار است. پیوند دروغ و نفاق، واضح است. دو چهرگی نوعی دروغ است.

روایت دهم:

«مُحَمَّدُ بْنُ مَسْعُودٍ الْعِشَاشِيُّ فِي تَفْسِيرِهِ، عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ هِلَالٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا ع: أَنَّهُ ذَكَرَ رَجُلًا كَذَّابًا ثُمَّ قَالَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ»^۳

۱ همان

۲ همان

۳ همان



شماره ثبت: ۲۶۹۳

این روایت عیاشی است. سند مقطوعه است و معتبر نیست.

حضرت (ع) می‌فرمایند: مؤمن دروغ نمی‌گوید و از آیه استفاده می‌کنند.

روایت یازدهم

«الشَّهِيدُ فِي الدَّرَّةِ الْبَاهِرَةِ، عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيِّ ع قَالَ: حُطَّتِ الْخَبَائِثُ فِي بَيْتٍ وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهُ الْكَذِبَ.»^۱

این روایت نیز سند ندارد. تمام خباثت‌ها در مخزنی جمع شده است و کلید مخزن، دروغ است. این مضمون با چند تعبیر آمده است.

روایت دوازدهم

«الْقُطْبُ الرَّاوِنْدِيُّ فِي دَعَوَاتِهِ، عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ: أَزْبَى الرَّبَا الْكَذِبُ»^۲

این روایت نیز سند ندارد.

نکته‌ای راجع به «اربی الربا»

در ربا، انسان مال دیگری را می‌گیرد. دروغ به دیگران و افترا به دیگران، آبروی شخص را می‌برد. احتمالاً در اینجا منظور این است.

روایت سیزدهم:

«وَقَالَ رَجُلٌ لَهُ ص الْمُؤْمِنُ يَزْنِي قَالَ قَدْ يَكُونُ ذَلِكَ قَالَ [قُلْتُ] الْمُؤْمِنُ يَسْرِقُ قَالَ قَدْ يَكُونُ ذَلِكَ قَالَ [قُلْتُ] يَا رَسُولَ اللَّهِ الْمُؤْمِنُ يَكْذِبُ قَالَ لَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ»^۱

۱ همان، ص ۸۶

۲ همان



شماره ثبت: ۲۶۹۳

این روایت نیز سند ندارد. ولی مضمون این روایت در روایات دیگری نیز آمده است که مؤمن دروغ نمی گوید.

روایت چهاردهم:

«جَامِعُ الْأَخْبَارِ، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص قَالَ: إِيَّاكُمْ وَالْكَذِبَ فَإِنَّ الْكَذِبَ يَهْدِي إِلَى الْفُجُورِ وَالْفُجُورَ يَهْدِي إِلَى النَّارِ.»^۲

در اینجا نهی و مطلق است. ولی سند معتبر نیست. در اینجا می گوید کذب، انسان را به گناهان دیگر سوق می دهد.

روایت پانزدهم:

«وَعَنْ عَبْدِ الرَّزَّاقِ عَنْ نُعْمَانَ عَنْ قَتَادَةَ عَنْ أَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: الْمُؤْمِنُ إِذَا كَذَبَ بِغَيْرِ عُدْرٍ لَعَنَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَخَرَجَ مِنْ قَلْبِهِ ثَنٌّ حَتَّى يَبْلُغَ الْعَرْشَ فَيُلْعَنُهُ حَمَلَةُ الْعَرْشِ وَكَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِتِلْكَ الْكَذِبَةِ سَبْعِينَ زَنْيَةً أَهْوَنُهَا كَمَنْ يَزْنِي مَعَ أُمِّهِ.»

این روایت سند ضعیفی دارد. مؤمنی که کذب بگوید، هزاران ملائک او را لعن می کنند و گندی از او بلند می شود که به عرش می رسد و تمام عرشیان او را لعن می کنند. کذب بدتر از هفتاد زنا است.

روایت شانزدهم:

«وَقَالَ مُوسَى ع: يَا رَبِّ أَيُّ عِبَادِكَ خَيْرَ عَمَلًا قَالَ مَنْ لَا يَكْذِبُ لِسَانُهُ وَلَا يَفْجُرُ قَلْبُهُ وَلَا يَزْنِي فَرْجَهُ.»^۳

این نیز سند معتبری ندارد. از علامت بهترین بندگان کذب نگفتن و ... است.

۱ همان

۲ همان

۳ همان، ص ۸۷



شماره ثبت: ۲۶۹۳

روایت هفدهم:

«فَقَهُ الرِّضَا، ع: عَلَيْكُمْ بِالصِّدْقِ وَإِيَّاكُمْ وَالكُذِبِ فَإِنَّهُ لَا يَصْلُحُ إِلَّا لِأَهْلِهِ نَزَوِي أَنَّ رَجُلًا أَتَى سَيِّدَنَا رَسُولَ اللَّهِ ص فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَلَّمَنِي خُلُقًا يَجْمَعُ لِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَقَالَ ص لَا تَكْذِبْ فَقَالَ الرَّجُلُ فَكُنْتُ عَلَى حَالَةٍ يَكْرَهُهَا اللَّهُ فَتَرَكْتُهَا خَوْفًا مِنْ أَنْ يَسْأَلَنِي سَائِلٌ عَمِلْتَ كَذَا وَكَذَا فَأَفْتَضِحَ أَوْ أَكْذِبَ فَأَكُونَ قَدْ خَالَفْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص فِيمَا حَمَلَنِي عَلَيْهِ.»^۱

در این روایت نهی و مطلق است اما سند ندارد.

روایت هیجدهم

«تَنْهَجُ الْبَلَاغَةَ: فِي وَصِيَّةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ لَوْلِيهِ الْحَسَنِ ع وَ عَلَّةِ الْكُذِبِ أَقْبَحُ عَلَّةٍ.»^۲

امام (ع) به امام حسن (ع) می فرماید: کذب بدترین مرضها است.

روایت نوزدهم:

«جَعْفَرُ بْنُ أَحْمَدَ الثُّمَمِي فِي كِتَابِ الْغَايَاتِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ إِنَّ أَبِي حَدَّثَنِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: أَقَلُّ النَّاسِ مُرُوءَةً مَنْ كَانَ كَاذِبًا.»^۳

روایت بیستم:

«الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ شُعْبَةَ فِي تَحْفِ الْعُقُولِ، عَنِ الْكَاطِمِ ع: أَنَّهُ قَالَ لِهَشَامِ بْنِ الْحَكَمِ يَا هَشَامُ الْعَاقِلُ لَا يَكْذِبُ وَإِنْ كَانَ فِيهِ هَوَاءٌ.»^۴

۱ همان

۲ همان

۳ همان

۴ همان، ص ۸۸



شماره ثبت: ۲۶۹۳

این روایت نیز سند ندارد.

روایت بیست و یکم:

«ثِقَّةُ الْإِسْلَامِ فِي الْكَافِي، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَعْمَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عُكَايَةَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ نَصْرِ عَنْ أَبِي عَمْرٍو الْأَوْزَاعِيِّ عَمَّ عَمْرٍو بْنِ شَمْرِ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع فِي خُطْبَةٍ لَهُ: وَ لَا سَوَاءَ أَسْوَأُ مِنَ الْكُذِبِ.»^۱

این روایت نیز خالی از ضعف نیست. در این روایت می‌فرمایند: اخلاقی بدتر از دروغ نیست.

روایت بیست و دوم:

«الْقُطْبُ الرَّائِدِيُّ فِي لُبِّ اللَّبَابِ، عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ: أَوْصَانِي رَسُولُ اللَّهِ ص حِينَ زَوَّجَنِي فَاطِمَةَ ع فَقَالَ إِيَّاكَ وَ الْكُذِبَ فَإِنَّهُ يُسَوِّدُ الْوَجْهَ وَ عَلَيْكَ بِالصِّدْقِ فَإِنَّهُ مُبَارِكٌ وَ الْكُذِبُ سُومٌ الْخَبَرِ.»^۲

توصیه‌های پیامبر (ص) به امام علی (ع) و فاطمه (س) است. در این روایت نهی مطلق دارد.

روایت بیست و سوم:

«، وَ عَنْهُ ص قَالَ: إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَنْطَبِعُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا عَلَى الْكُذِبِ وَ الْخِيَانَةِ.»^۳

این روایت نیز سند ندارد.

۱ همان

۲ همان

۳ همان



شماره ثبت: ۲۶۹۳

روایت بیست و چهارم:

«وَعَنْهُ ص قَالَ: الْكَذِبُ مُجَانِبُ الْإِيمَانِ وَلَا رَأْيَ لِكَذُوبٍ.»^۱

روایت بیست و پنجم:

«وَقَالَ ص: وَاجْتَنِبُوا الْكَذِبَ وَإِنْ رَأَيْتُمْ فِيهِ النَّجَاةَ فَإِنَّ فِيهِ الْهَلَكَةَ.»^۲

روایت بیست و ششم:

«وَقَالَ ص: وَإِيَّاكُمْ وَالْكَذِبَ فَإِنَّهُ مِنَ الْفُجُورِ وَإِنَّهُمَا فِي النَّارِ.»^۳

روایت بیست و هفتم:

«وَقَالَ ص: إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا كَذَبَ تَبَاعَدَ مِنْهُ الْمَلِكُ مِنْ نَشْنِ مَا جَاءَ مِنْهُ.»^۴

این روایت نیز سند ندارد.

روایت بیست و هشتم:

«، وَقَالَ ص: الْمُؤْمِنُ يُطْبِعُ عَلَى خِلَالِ شَيْءٍ وَلَا يُطْبِعُ عَلَى الْكَذِبِ وَآتَى رَسُولَ اللَّهِ ص رَجُلٌ فَقَالَ إِنِّي لَا أَصْلِي وَ أَنَا أَزْنِي وَ أَكْذِبُ فَمِنْ أَيِّ شَيْءٍ أَثُوبُ قَالَ مِنَ الْكَذِبِ فَاسْتَقْبَلَهُ فَعَهْدَ أَنْ لَا يَكْذِبَ فَلَمَّا انْصَرَفَ وَ أَرَادَ الرِّثَا فَقَالَ فِي نَفْسِهِ إِنَّ

۱همان

۲همان

۳همان، ص ۸۹

۴همان



شماره ثبت: ۲۶۹۳

قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ص هَلْ زَنَيْتَ بَعْدَ مَا عَاهَدْتَ فَإِنْ قُلْتَ لَا كَذَبْتُ وَإِنْ قُلْتَ نَعَمْ يَضْرِبُنِي الْحَدُّ ثُمَّ أَرَادَ أَنْ يَتَوَأْنِيَ فِي الصَّلَاةِ فَقَالَ إِنْ سَأَلَنِي رَسُولُ اللَّهِ ص عَنْهَا فَإِنْ قُلْتَ صَلَّيْتُ كَذَبْتُ وَإِنْ قُلْتَ لَا يُعَاقِبُنِي فَتَابَ مِنَ الثَّلَاثَةِ. ^۱

روایت بیست و نهم:

«الْحَسَنُ بْنُ أَبِي الْحَسَنِ الدِّيَلَمِيِّ فِي إِرشَادِ الْقُلُوبِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ص فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا عَمَلُ أَهْلِ النَّارِ قَالَ الْكَذِبُ إِذَا كَذَبَ الْعَبْدُ فَجَرَّ وَإِذَا فَجَرَ كَفَرَ وَإِذَا كَفَرَ دَخَلَ النَّارَ.» ^۲

جمع بندی

حدود ۴۵ روایت در مستدرک و وسائل وجود داشت. در بحار و غرر نیز روایات زیادی در آنجا وجود دارد. مجموعاً بیش از صد روایت در مورد کذب وجود دارد. این غیر از کتب عامه است. این جمع بندی چند مطلب دارد:

تواتر معنوی روایات

مجموعه روایات از صد عدد متجاوز است. در این روایات معتبره زیادی ندارد. اجتماع سه نکته (سند، اطلاق، حرمت) در روایات کم است. اما کثرت روایات در حدی است که اگر هیچ کدام سند معتبری نداشت نمی توانستیم از آن ها عبور کنیم. روایاتی که دلالت بر اطلاق و حرمت می کنند، کم نیستند و به ما اطمینان کامل می دهد.

دسته بندی روایات

دسته بندی روایات به شکل زیر است:

الف) موضوع کذب و کاذب خاص است.

ب) موضوع مطلق کذب است ولی دلالت بر حرمت نمی کند.

۱ همان

۲ همان



شماره ثبت: ۲۶۹۳

ج) موضوع مطلق کذب است و دلالت بر حرمت می‌کند.

این مجموعه غیر معتبر کثیر به سه گروه بالا تقسیم می‌شوند. این جمع روایات در حد یک تواتر معنوی است و نیازی به سند ندارد. در نتیجه حرمت فی الجمله کذب را از این تواتر به دست می‌آوریم. در این تواتر معنوی، حرمت فی الجمله است. بیان ما این است که اگر گروه اول و دوم را کنار بگذاریم و فقط روایاتی گروه سوم را در نظر بگیریم، شاید تواتر نداشته باشند اما در حد استفاضه شدید و کثیر است.

جنبه تحلیلی روایات

مطلب بعدی این است که روایات یک جنبه تشریعی و حکمی داشت ولی روایات یک جنبه تحلیلی نیز دارد. در این مجموعه روایات، یک سری ویژگی‌ها و شرایط و آثار کذب را بیان کرده بود. با این مجموعه، ما یک بحث معارفی می‌کنیم.